یادداشت

آقای رییس جمهور نترسید!

محمود صدری

خبرهایی که از بازار ارز و طلا می‌رسد، از رشد پیوسته قیمت این دو کالای کمیاب حکایت دارد. همهمه این خبرها هولناک است، اما خود واقعیت اقتصادی، این همه هولناک نیست، بلکه اساسا هولناک نیست.

آقای رئیس جمهور نترسید! زیرا: ۱- دولت ایران، برخلاف بیشتر دولت‌های جهان، میزان ذخایر طلای کشور را اعلام نمی کند، اما معلوم است که مجموع ذخایر ارز و طلای ایران بیش از ۱۱۵ میلیارد دلار است، یعنی اینکه ذخیره طلای ایران احتمالا در ردیف ۱۵ یا ۱۶ جهانی است. ذخیره طلا اساسا برای نوسان گیری اقتصادی و چاره روز تنگ یا محافظت از تعهداتی مانند اوراق قرضه یا معادل‌های ایرانی آن است. البته طلا آنگاه می‌تواند چنین نقشی برعهده گیرد که دولت با سازوکارهای شبه کوپنی، مانند ماه‌های اخیر، حراجش نکند. پس دولت هنوز ابزار موثری برای مدیریت ارز و طلا در اختیار دارد.

۲- طلا، به‌جز در مواقعی که بازارها ملتهب می‌شوند، کالایی معمولی و مانند همه کالاهای دیگر است. قیمتش هم به این علت بالاست که کل طلایی که بشر تاکنون استحصال کرده و یافت شده است، فقط حدود ۱۸۸ هزار تن است. اگر ارزش طلای تجمیع شده در طول تاریخ بشر را با توجه به ارزش فعلی اونس طلا به دلار تبدیل کنیم، رقمی در حدود ۷/۵ هزار میلیارد دلار خواهد شد. به عبارت دیگر ارزش کل طلایی که بشر در ۱۰ هزار سال گردآوری کرده است چیزی در حدود ارزش تولید ۵ ماه اقتصاد آمریکا یا تولید ۹ ماه اقتصاد چین در سال گذشته میلادی است. ارزش کل طلای ایران معادل ۸ روز تولید ناخالص داخلی است! قیمت چنین کالایی قاعدتا نباید بتواند اقتصاد ایران را متزلزل بکند و نمی کند؛ بلکه آن چیزی که موجب تزلزل شده است و می‌شود، علامتی است که طلا می‌دهد. هجوم به سوی طلا یعنی پیش‌بینی روزگار آشفته آینده. طلا کار خود را کرده است و حالا نوبت دولت است که کار خود را بکند.

۳- ارزهای خارجی هم وضع مشابهی دارند. قیمت دلار و فزونی و کاستی آن در واقع مساله و مشکل تولیدکنندگان و بازرگانان است، نه مصرف کنندگان. التهابی که در ماه‌های اخیر ایران را در برگرفته و غنی و فقیر را روانه بازار ارز کرده، از جنس همان هجوم به بازار طلاست. قاعده اقتصادی که تاکنون در همه جای جهان هم عمل کرده، این است که تولیدکننده و تاجر برای رساندن کالا به دست مصرف کننده رقابت کنند. مصرف کننده از تولیدکننده و تاجر نمی‌پرسد هزینه تولید و تجارتشان چقدر است و آن را با دلار چند تومانی تولید کرده است، بلکه از آنها کالاهایی ارزان و مرغوب می‌خواهد. یکی می‌تواند با دلار ۱۰ هزار تومانی و بیشتر به این نیاز مصرف کننده پاسخ دهد و دیگری با دلار ۴۲۰۰ تومانی و کمتر هم نمی‌تواند. اینکه امروزه تولیدکننده و تاجر ایرانی توانایی تامین نیاز مصرف کننده را ندارد، به قیمت ارز ربطی ندارد، بلکه حاصل ناکارآمدی است. دولت تا درآمدها و ذخایری داشت، به تولیدکننده و تاجر (با تقدیم ارز ارزان) و به مصرف کننده (با قیمت گذاری) سوبسید داد ولی حالا که با تهدید تحریم‌ها روبه‌رو است دیگر نمی‌تواند و نباید چنین کند و ناکارآمدی‌ها خودشان را نشان داده‌اند. در واقع صنعتگران و تاجران ایرانی تازه شده‌اند مانند همتایانشان در کشورهای دیگر و ناگزیر شده‌اند با واقعیت منابع کمیاب روبه‌رو شوند.

۴- در این روزگار کمیابی شدید ارز و طلا، کار دولت فقط آزادسازی است. هر کس با فروش کالا و خدمات خود به پول خارجی دست می‌یابد، اختیار قیمتش هم دست خودش است. دولت هم درآمدهای ارزی از محل فروش نفت دارد که مجبور نیست آن را با سوبسید به دیگران بدهد. فعلا که اوضاع نابسامان است دولت فقط باید مراقب پاره‌ای اقلام مصرفی اساسی و دارو و درمان باشد و منابع و امکاناتش را صرف مهار قیمت لاستیک و سفرهای توریستی و امثال آن نکند.

۵- بخش اعظم جهش ارزی، حاصل حبس تصنعی نرخ ارز در گذشته است که حالا فنرش در رفته، بخش دیگر هم که در اصل رفتار میمون بازار است، تخلیه نقدینگی و جبران خطای دولت در زمینه خلق پول و افزایش نقدینگی است که هر دو اقتصاد را به سوی شفافیت و سلامتی بیشتر سوق می‌دهند. پس آقای رئیس جمهور از آنچه رخ داده نهراسید، از توصیه‌های معطوف به مداخله و حمایت دولت بترسید که فرصت تاریخی اصلاح اقتصادی را از شما خواهد گرفت.

دلار چند نرخی، ریشه رانت

ضرورت بازگشت به منطق اقتصاد

PDF Compressor Free Version



مهدی الیاسی، روزنامه نگار

در سه ماه گذشته کمتر روزی است که خبری در خصوص رانت و سوء از دلار ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی برای واردات به گوش نرسد. حتی انتشار اسامی شرکت‌هایی که برای واردات دلار ۴۲۰۰ تومانی دریافت کردند نیز کمکی به کاهش مفاسد در این بخش نکرد. فهرست تخلفات متنوع و گسترده بوده است. به نحوی که تا کنون ۴ مقام مسئول ارشد وزارت صنعت، معدن و تجارت در رابطه با نحوه تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی بازداشت شده‌اند.

تخلفات در حوزه وادرات خودرو با دلار دولتی، بازرترین نمونه این تخلفات بود. از سوی دیگر نام شرکت‌هایی که در حوزه غیر تخصصی، اقدام به واردات کرده بودند نیز جالب توجه بود. عملا دستور حسن روحانی برای انتشار اسامی شرکت‌ها وارد کننده نیز راه به جایی نبرد. اما چرا این مفاسد علی‌رغم صدور دستورات و بخشنامه‌های گوناگون کاهش نمی‌یابد؟

دلار چند نرخی، ریشه رانت

طبق تجارت متعدد تاریخی در ایران و سایر کشورها، اساسا چند نرخی بودن منشاء رانت است. این مسئله بسیار بدیهی‌تر از آن است که نیاز به توضیحات پیچیده اقتصادی داشته باشد. هنگامی که از یک سو در کشور برای دلار، چند نرخ رسمی و یک نرخ آزاد وجود داشته باشد و از سوی دیگر دولت فعال مایشاء و تخصیص دهنده اصلی ارز در کشور است، بدیهی که نزدیک به باندهای قدرت و ثروت، در دریافت ارزان‌ترین دلار ارائه شده دولتی، کاملا تاثیر گذار است.

در حالی که برخی اقتصاددانان معتقدند برای عبور از بحران ارز باید به سیاست‌های دوران جنگ بازگشت، بهزاد نبوی به عنوان رئیس ستاد بسیج اقتصادی دولت جنگ گفت: آن سیاست‌ها جواب نمی‌دهد زیرا حتی در همان دوران هم جواب نداد

هنگامی که نرخ دولتی دلار ۴ هزار و ۲۰۰ تومان اعلام می‌شود و قیمت آن در بازار غیر رسمی به ۱۲ هزار تومان رسیده است، این شکاف خود منشاء رانت است چرا نفس دریافت دلار دولتی (۴۲۰۰ تومانی) یک امتیاز محسوب می‌شود، فارغ از آن که برای چه کاری هزینه شود و صرف واردات چه کالایی بشود.

حسین مرعشی، فعال سیاسی اصلاح طلب و حامی حسن روحانی در این خصوص ضمن تایید مفسده آمیز بودن چند نرخی بودن دلار، معتقد است: «امروز امکان اینکه دولت بتواند نرخ ارز را به‌طور کامل آزاد کند وجود ندارد، چرا که فشار سنگینی را به متن جامعه وارد خواهد کرد. اما در این سیستم دو نرخی هم رانت و مفسده به وجود می‌آید.... در چنین شرایطی تنظیم اقتصادی که هم حرکت داشته باشد و هم با کمبود کالا مواجه نباشد و هم تورم و فساد نداشته باشد کاری بس دشوار است. همه این بحث‌هایی که در مورد مبارزه با فساد مطرح است برای یک شرایط نرمال اقتصادی است. در شرایط فوق‌العاده‌ای که اقتصاد ما در آن قرار دارد، مبارزه با فساد اقتصادی در درجه دوم قرار می‌گیرد. مسئله اصلی دولت تامین حداقل‌های زندگی مردم است.»

باید به مردم عادی این اجازه داده شود با تبعیت از منطق بازار، بسیاری از نیازهای خویش از جمله مصارف ارزی مسافرتی را با خرید از بازار تامین کنند و از فشار سنگین تقاضا برای ارز دولتی کاسته شود

حسین مرعشی در حالی معتقد است که در شرایط خاص کنونی مسئله اصلی دولت تامین حداقل‌های زندگی مردم است و مبارزه با فساد ناشی از چند نرخی در درجه دوم اهمیت قرار دارد که به نظر می‌رسد با حجم کنونی مفاسد و ایجاد تقاضای کاذب شرکت‌ها برای واردات و رشد تقاضای کاذب، دولت تا مدتی دیگر در تامین و واردات حداقل‌های زندگی مردم نیز به مشکل بخورد. به بیان بهتر، وجود مفاسد اقتصادی و تامین حداقل‌های زندگی مردم دو مقوله جدا از هم نیستند بلکه رشد مفاسد بر تامین حداقل زندگی مردم تاثیر مستقیم و بی‌واسطه دارد.

دومینوی دخالت دولت

اوج قیمت گذاری دستوری دلار و چند نرخی شدن ارز به دوران جنگ باز می‌گردد. برخلاف تبلیغات رسمی و توصیفات اغراق آمیزی که در مورد آن ایام توسط کارگزاران و مدیران آن دوران می‌شود سایه رانت و فساد به آن دوران بازمی‌گردد. در واقع کالاهای وادراتی با ارز ۷ تومانی در اختیار بازاریان نزدیک به باندهای قدرت قرار می‌گرفت و وضعیت به گونه‌ای بود که برخی از همین نهادهای بازاری در سال‌های دوران جنگ، به ثروت‌های افسانه‌ای دست پیدا کردند.

این روزها در حالی برخی از اقتصاددانان موسوم به طیف نهادگرا با حسرت از دوران دولت دفاع مقدس یاد می‌کنند و معتقدند برای عبور از بحران فعلی باید به نسخه‌های اجرا شده در دوران جنگ بازگشت که بهزاد نبوی به عنوان رئیس ستاد بسیج اقتصادی دولت میرحسین موسوی، در مصاحبه‌ای که در هفته گذشته انجام داد تاکید کرد: «آن سیاست‌ها جواب نمی‌دهد زیرا حتی در همان دوران هم جواب نداد.» وی تاکید کرد: «اگر آن سیاست‌ها جوابگو بود که مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و صلح با عراق نمی‌شدیم.»

از سوی دیگر اکبر ترکان، نیز تعیین دلار ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی را اشتباه دانست.

دولت ابتدا نرخ ۴۲۰۰ تومان را برای دلار دولتی تعیین کرد. سپس اعلام شد برای برخی کالاها دلار ۷ هزار تومانی عرضه می‌شود. اکنون نیز حجم تخلفات در استفاده از دلار ۴۲۰۰ تومانی به جایی رسیده است که زمزمه‌هایی جدید مطرح می‌شود، مبنی بر این که ممکن است اجازه واردات بسیاری از کالاها از فعالان بخش خصوصی سلب و به دولت واگذار شود تا زمینه تخلف بخش خصوصی از بین برود! این طرح این موضوع نشان می‌دهد مداخله دستوری دولت در اقتصاد از بخش‌های جزئی آغاز می‌شود به صورت یک دومینو به تدریج سراسر اقتصاد را فرا می‌گیرد. در واقع مداخلات دولتی حد یقف ندارد و وقتی از یک نقطه حساس مانند قیمت گذاری ارز آغاز می‌شود به تدریج به همه بخش‌های اقتصادی تسری پیدا می‌کند. دواتی شدن کامل واردت دولتی نهایی‌ترین مرحله دولتی شدن یک اقتصاد است اما پرسش اینجاست که آیا با دولتی شدن واردات، تخلفات از بین می‌رود یا دور تازه‌ای از تخلفات را شاهد خواهیم بود؟ با انجام واردات توسط دولت، رانت بعدی پیش رو این است که کالاهای وارداتی در اختیار چه کسانی برای فروش قرار می‌گیرد؟ لابد پس از مدتی دولت اعلام میکند کار فروش کالاها را نیز خودش انجام می‌دهد!

مقامات دولتی به صورت مستمر با استناد به شرایط سیاسی و اقتصادی خاص کنونی، اقدامات نامتعارف و غیرعقلایی خویش را توجیه می‌کنند. این در حالی است که اتفاقا در شرایط خاص باید «عقل خدادادی» و منطق اقتصادی بیشتر مورد توجه باشد نه برعکس

بازگشت به عقلانیت

مقامات دولتی به صورت مستمر با استناد به شرایط سیاسی و اقتصادی خاص کنونی، اقدامات نامتعارف و غیرعقلایی خویش را توجیه می‌کنند. این در حالی است که اتفاقا در شرایط خاص باید «عقل خدادادی» و منطق اقتصادی بیشتر مورد توجه باشد نه برعکس. در این شرایط دولت نه تنها نباید به صورت مستمر بر دولتی شدن حوزه‌های گوناگون اقتصادی بیفزاید که باید از گستره مداخلات مخرب و فسادزا که مخل اعتماد عمومی و ویرانگر سرمایه اجتماعی است، بکاهد. بسیار ضروری است دولت به سرعت بازار آزاد ارز را به رسمیت بشناسد و کنار گذاشتن نامگذاری‌های خلق‌الساعه همچون بازار ثانویه، منطق عرضه و تقاضا را به رسمیت بشناسد. بی‌تردید به رسمیت شناختن بازار، اعتماد به نفس را به جامعه باز می‌گرداند و احساس روانی غیرعادی بودن شرایط را در ذهن جامعه می‌کاهد و پس از مدتی صف خرید موجود (که باعث رشد قیمت می‌شود) به صف فروش تبدیل می‌شود. از سوی دیگر باید به مردم عادی این اجازه داده شود با تبعیت از منطق بازار، بسیاری از نیازهای خویش از جمله مصارف ارزی مسافرتی را با خرید از بازار تامین کنند و از فشار سنگین تقاضا برای ارز دولتی کاسته شود.

آخرین خبرها از بسته جدید ارزی و نرخ دلار



طبق اعلام دولت و مجلس، سیاست ارزی بانک مرکزی در حال بازنگری است و به زودی این بسته جدید ارائه می‌شود اما آنچه از مسئولان اتاق بازرگانی شنیده شده، بر اساس این بسته، از این پس مرجع رسمی نرخ دلار بازار ثانویه است که قیمت پیشنهادی آن ۸۰۰۰ تا ۸۵۰۰ تومان خواهد بود و دلار ۴۲۰۰ تومانی فقط برای واردات کالاهای اساسی و دارویی تخصیص داده شود و دیگر وارد سامانه نیما نشود. بر این اساس بقیه ارزهای پتروشیمی، فولاد یا ارزهایی که بعد از نفت قابل توجه هستند، به سمت بازار ثانویه می‌روند و در آنجا قیمت توافقی بین صادرکننده و واردکننده صورت می‌گیرد و صادرکننده، ارز خود را به واردکننده اختصاص می‌دهد. به گزارش ایسنا، طبق اعلام اتاق بازرگانی بر اساس سیاست جدید ارزی بانک مرکزی، دولت به دنبال اجرای سه سیاست جدید در بازار ارز است که هدف اصلی در گام اول تثبیت بازار و در ادامه جلوگیری از توزیع رانت اعلام شده است. انتقال مبادلات ارزی صادرکنندگان عمده به بازار ثانویه، پایه و اساس بسته جدید ارزی بانک مرکزی است که البته نحوه دقیق اجرای آن پس از اظهارنظر سازمان برنامه و بودجه مشخص خواهد شد. قرار است صنایع پتروشیمی، فولادی و معدنی که ۸۰ درصد از صادرات غیرنفتی کشور به آنها تعلق دارد و تاکنون باید ارز حاصل از صادرات خود را به نرخ مصوب در سامانه نیما به واردکنندگان گروه دوم کالایی می‌فروختند، ارز خود را مانند صادرکنندگان بخش خصوصی در بازار ثانویه و به نرخ توافقی به واردکنندگان تخصیص دهند.

خبرها حاکی از این است که بانک مرکزی به دنبال بازگرداندن صرافی‌های مجاز به چرخه ارزی است و احتمالا توافقات ارزی صادرکنندگان و واردکنندگان بر بستر صرافی‌ها انجام خواهد شد که نرخ پیشنهادی برای آن بین ۸۰۰۰ تا ۸۵۰۰ تومان اعلام شده است. سومین برنامه بانک مرکزی در حوزه مدیریت بازار ارز، احتمال کاهش ۵۰ درصدی ارز مسافری است که با نرخ مصوب به مسافران واجد شرایط تخصیص می‌یابد. در شرایط فعلی به واسطه اختلاف بیش از ۱۰۰ درصدی نرخ ارز دولتی و غیر رسمی، عملا تخصیص ارز مسافری به توزیع رانت تبدیل شده و پیش از این دفاتر خدمات مسافرتی را به سمت تبلیغ سفر رایگان تشویق کرده بود.

بر اساس قواعد فعلی تخصیص ارز مسافری، بسته به دوری یا نزدیکی مقصد، هر مسافر معادل ۵۰۰ یا هزار یورو ارز با نرخ دولتی دریافت می‌کند که بهای آن به طبق نرخ مصوب حدود ۲.۵ تا پنج میلیون تومان خواهد بود اما به واسطه اختلاف قیمتی شدید میان ارز دولتی و ارز غیر رسمی، بهای این میزان ارز در بازار غیر رسمی معادل شش تا ۱۲ میلیون تومان برآورد می‌شود. در این وضعیت تخصیص ارز دولتی به هر مسافر به منزله تخصیص رانت ۳.۵ تا هفت میلیون تومانی به هر مسافر بوده است.